

کشتی

وقتی شاگردان رنگرز
سمفونی قدرت و تاریخ سازی را نواختند
بازهم قهرمان جهان شدیم

نگار رشیدی

آستانه، پایتخت سرد و بادخیز قزاقستان، در روزهای پایانی مسابقات جهانی کشتی فرنگی ۲۰۲۶، میزبان آتشی بود که دلاوران ایرانی بر روی تشک بر پا کردند. اینجا دیگر صحبت از یک شگفتی زودگذر یا یک اتفاق ورزشی ساده نیست؛ اینجا نقطه عطفی در تاریخ ورزش ایران است. شاگردان حسن رنگرز، با صلابتی که نظیر آن در تاریخ کشتی فرنگی کشور کمتر دیده شده، کاری کردند کارستان و در فاصله ۲۴ ساعت مانده به خاموش شدن مشعل مسابقات، تاج پادشاهی جهان را برای دومین سال پیاپی بر سر گذاشتند. برای درک بزرگی این اتفاق، باید به تقویم نگاه کرد و به یاد آورد که کشتی فرنگی ایران تا پیش از این هرگز نتوانسته بود از عنوان قهرمانی جهان خود در دو دوره متوالی دفاع کند. اما تیمی که در سال ۲۰۲۵ بر بام جهان ایستاده بود، در سال ۲۰۲۶ با ترکیبی از جوانی، تجربه، تاکتیک‌های بی‌نقص و البته قلب‌هایی که برای پیروزی می‌تپید، به آوردگاه آستانه آمد تا ثابت کند پادشاهی‌اش بلامنازع است. آمار خیره‌کننده است: تضمین ۹ مدال در ۱۰ اوزن مسابقات! این یعنی یک تسلط مطلق، یک دیکتاتوری ورزشی بر روی تشک کشتی که نام ایران را در ذهن تمام حرفان حک کرد. اگر قرار باشد از این مسابقات یک فیلم سینمایی ساخته شود، بدون شک سکانس طلایی آن متعلق به فردین هدایتی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم است. داستان او فراتر از یک رقابت ورزشی و شبیه به اسطوره‌های باستانی است. تصور کنید جوانی کوه‌پیکر، تنها ۱۷ روز پیش از بزرگ‌ترین رویداد سال، در ناحیه قلب تحت عمل آنژیوگرافی قرار می‌گیرد. منطق پزشکی و ورزشی می‌گوید او باید استراحت کند، اما منطق عشق به سرچم و تشک کشتی چیز دیگری است. فردین نه تنها به مسابقات آمد، بلکه به شکلی روی تشک ظاهر شد که گویی هیچ دردی در بدن ندارد. او حرفانی از لیبوتانی، قزاقستان، چین و فنلاند را یکی پس از دیگری با امتیازات عالی و بدون از دست دادن حتی یک امتیاز از پیش رو برداشت. اوج هنرنمایی این گلادیاتور ایرانی در فینال بود؛ دقیقه ۱۱ هم با قلبی که تازه تیغ جراحی را به خود دیده بود، زیباترین و احساسی‌ترین تصویر آستانه ۲۰۲۶ را خلق کرد.



در کنار معجزه هدایتی، باید از هنرنمایی دانیال سهرابی در وزن ۷۲ کیلوگرم سخن گفت. دانیال در این مسابقات یک ماشین بی‌نقص امتیازگیری و دفاع بود. او در مسیر فینال، رقبای سرسختی را سوند، قزقیزستان و روسیه را با اقتدار شکست داد و در ایستگاه پایانی، وانکرا از مجارستان را با نتیجه ۴ بر صفر مغلوب کرد. نکته شگفت‌انگیز کارنامه سهرابی این بود که او در تمام طول مسابقات، حتی یک امتیاز هم به رقیب‌داد و با کلین شیئت کامل، مدال طلا را بر گردن او بوخت.

پیش از این دو، غلامرضا فرخی در وزن ۸۲ کیلوگرم، اولین چراغ طلا را برای کاروان ایران روشن کرده بود تا موتور تیم حسن رنگرز با قدرت تمام روشن شود. اما درخشش ایرانی‌ها تنها به طلا ختم نشد. پیام احمدی در ۵۵ کیلوگرم و علی احمدی در ۶۰ کیلوگرم، با نمایش‌هایی لااثرانه به مدال نقره رسیدند و نشان دادند که آینده سبک‌وزن کشتی فرنگی ایران در دستانتالی امن قرار دارد. علی اسکو در ۷۷ کیلوگرم با جنگندگی مدال برنز را داشت کرد و محمدهادی ساروی، کاپیتان و مرد سرد و گرم چشیده کشتی ایران در ۹۷ کیلوگرم، پس از یک غافلگیری در نیمه‌نهایی مقابل حریف روس، با تجربه‌اش به مسابقات برگشت و در دیدار رده‌بندی می با پیروزی ۳ بر صفر مقابل کسیدیس سوندی، مدال برنز را به سینیه زد تا کلکسیون افتخاراتش برابر تر شود. حالا در شرایطی که سرود قهرمانی تیمی ایران در سالن مسابقات طنین‌انداز شده، هنوز «امتیاز ایرانی برای فتح آخرین سنگرهای تالی می‌کنند. سعید اسماعیلی در وزن ۶۷ کیلوگرم، پس از یک مارا تاتس فیرر در نیمه‌نهایی و پیروزی ارزشمند (۱-۱) مقابل حسرت جعفروف، دارنده مدال‌های المپیک و جهان از آذربایجان، حالا در فینال باید به مصاف آیت‌جان خالماخانوف از بکستانی برود. در سوی دیگر، علیرضا مهدی در وزن ۸۷ کیلوگرم هم طوفانی به پا کرده است. او که حرفیانی از مغولستان، لهستان و اوکراین را شکست داده بود، در نیمه‌نهایی با نتیجه قاطع ۱۰ بر یک، گورگر تادونوسیان ارمنستانی را در هم کوبید تا در فینالی تمام‌عیار، مقابل سمن نوویکوف، قهرمان المپیک از بلغارستان صفر آرای کند.

قهرمانی زودرس و مقتدرانه ایران در قزاقستان، تنها حاصل قدرت بازوان کشتی‌گیران نیست؛ این شاهکار، امضای پررنگ حسن رنگرز و کادر فنی او را بر پیشانی دارد. مربی‌ای که از تیم قهرمان سال ۲۰۲۵، یک ماشین جنگی شکست‌ناپذیر تر در سال ۲۰۲۶ ساخت. رنگرز با مدیریت روانی تیمی که ستاره‌اش تازه از تخت بیمارستان بلند شده بود و با تزریق خودباوری به جوانان تازه‌نفس، ثابت کرد که موفقیت سال گذشته یک جرقه نبود، بلکه پایه‌گذاری یک امپراتوری جدید در کشتی فرنگی جهان بود. امروز، آستانه نه به سررمای پاییزیش، بلکه به حرارت نام ایران شناخته می‌شود. تیمی که تاریخ را در آغوش گرفت و برای اولین بار، پرچم ۲ رنگ کشورمان را برای ۲۵ سال پیاپی در بالاترین نقطه کشتی فرنگی جهان به اهتزاز درآورد. این قهرمانی، داستانی است که تا سال‌ها در گوشه و کنار سالن‌های کشتی دهان به دهان خواهد چرخید؛ داستان پسری که با قلب‌هایشان کشتی گرفتند و جهان را به تعلیم واداشتند.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

سایه سنگین آقای مترجم بر نیوکمپ؛ شبی که مورینیو قلب کاتالونیا را درید

قاتل بارسا برگشت

بارسلونا، در یک تصمیم تاریخی، پپ گواردیولا را به او تر جیح داد و مورینیو را با بر حسب تحقیر آمیز مترجم (El Traductor) طرد کرد. همان روز بود که کاتالونیا، بزرگ‌ترین دشمن تاریخ مدرن خود را با دستستان خودش خلق کرد. مورینیو قسم خورد که تا پایان عمر ورزشی‌اش، خواب خوش را از چشمان آبی و آناری‌ها بگیرد. او این هفته، یک بار دیگر با بی‌رحمی تمام ثابت کرد که پای عهد خود ایستاده‌است.

بارسلونای هانسی فلیک، تیمی که در هفته‌های اخیر اسپانیا و اروپا را مقهور پرس‌های شدید، بازی هجومی، خط دفاعی بالا و پاس کاری‌های شاور خود کرده بود، این هفته با سدی بر خود کرد که از فولاد آبدیده ساخته شده بود. فلیک تصور می‌کرد می‌تواند با همان فرمول همیشگی مادرید را در هم بکوبد، اما مورینیو، با همان لیجنده کنایه آمیز همیشگی‌اش، یک شاهکار تاکتیکی را در زمین پیاده کرد. او می‌دانست که شریان حیاتی بارسا کجاست. لامین مامل، پدیده بی‌چون‌وچرای این‌ روزهای فوتبال که سودی توپ‌طلا در سردار دور بازی‌های گذشته کابوس مدافعان حریف بود، یکشنبه‌شب در زندانی افرادی به نام مارک کوکورا حبس شد. کوکورا با دوندگی بی‌امان، جنگندگی فیزیکی و بازیخوانی بی‌نظیرش، پامال را به بازیکنی کاملاً خشنی، کلافه و محو در جریان بازی تبدیل کرد. فلیک کنار خط، ناپوارانه به تیمی نگاه می‌کرد که تمام راه‌های نفوذش توسط استراتژی بی‌نقص و چندلایه آقای خاص بسته شده بود.

در غیاب تیمیو کورنوا ی بیمار، بسیاری از کارشناسان تصور می‌کردند که دروازه رئال مادرید پاشنه آشیل این تیم خواهد بود و بارسا از همین نقطه ضربه نهایی را وارد می‌کند. اما اندری لوئین، با نمایشی که مورینیو پس از پایان بازی آن را به درستی باور نکردنی توصیف کرد، به صخره‌های غیر قابل عبور تبدیل شد. مادرید با خونسردی تمام، حملات کور بارسا را دفع می‌کرد و همان‌طور که از تیم‌های مورینیو انتظار می‌رود، مانند یک مار زنگی منتظر یک اشتباه کوچک برای نیش زدن بود. این انستیهاب در دقیقه ۴۱

چندلایه آقای خاص بسته شده بود.

از کارشناسان تصور می‌کردند که دروازه رئال مادرید پاشنه آشیل این تیم خواهد بود و بارسا از همین نقطه ضربه نهایی را وارد می‌کند. اما اندری لوئین، با نمایشی که مورینیو پس از پایان بازی آن را به درستی باور نکردنی توصیف کرد، به صخره‌های غیر قابل عبور تبدیل شد. مادرید با خونسردی تمام، حملات کور بارسا را دفع می‌کرد و همان‌طور که از تیم‌های مورینیو انتظار می‌رود، مانند یک مار زنگی منتظر یک اشتباه کوچک برای نیش زدن بود. این انستیهاب در دقیقه ۴۱

پرسپولیس در بازی‌های بزرگ یخ می‌زند؛ زنگ خطر برای کادر فنی به صدا درآمد

ضعیف‌کش بی‌رحم

تامل برانگیز اینجااست که هر عگرد، دقیقاً مقابل ۶ تیم حاضر در رتبه‌های سیزدهم تا هجدهم جدول رقم خورده است! درواقع، ماشین گلزنی تار تار تنها برابر تیم‌های بحران زده، فاقد ساختار دفاعی منسجم و پایین جدولی، بی‌نقص و ویرانگر عمل می‌کند. وقتی به نتایج نگاه می‌کنیم، صلابت یک تیم قهرمان به چشم می‌آید؛ ملوان رده سیزدهمی با نتیجه قاطع سه بر صفر در هم کوبیده می‌شود، استقلال خوزستان چهاردهم جدولی با نتیجه تحقیر آمیز چهار بر یک زانو می‌زند، تیم‌های سرسخت‌تری مانند ذوب‌آهن اصفهان (رده پانزدهم) و شمس آذر قزوین (رده شانزدهم) با نتایج مشابه و مطمئن دو بر صفر تسلیم می‌شوند، صنعت‌نفت آبادان در آستانه سقوط با نتیجه سه بر یک در هم می‌کشد و در نهایت، مس شهر بابک قعر نشین نیز چاره‌ای جز پذیرش شکست سه بر صفر نمی‌یابد. تیم مهدی تار تار از ۱۲ امتیاز ارزشمند خود در فصل جاری، ۱۸ امتیاز خالص را از تقابل با همدین ۶ تیم‌انتهای جدولی استخراج کرده است. در نگاه اول و بر اساس منطق ریاضی، این یک دستاورد بزرگ و حیاتی است. جمع‌آوری حداکثر امتیازات از تیم‌های پایین جدولی، همان قانون نانوشته‌ای است که می‌گوید قهرمانی‌ها در دل همین بازی‌های به‌ظاهره کوچک اما پرخطر شکل می‌گیرند. اما در فوتبال، باشگاه‌های سودای بالا بر دن جام قهرمانی را در سر می‌پروراند، نمی‌تواند تنها یک ضعیف‌کش قهار باشد. وقتی ماشین جنگی شما فقط برابر سلاحه‌های رده‌پایین است، این آمار دیگر تیم‌های بی‌دفاع کارایی ندارد، دیر یا زود در مواجهه با زربووش‌های واقعی و تیم‌های سازمان‌یافته و کار خوار خواهد افتاد و این دقیقاً همان کابوسی است که گریبان تار تار را گرفته‌است. ویرا یوسی با

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: tosee_irani@toseeirani@gmail.com

شماره ۲۳۱۰ / سه‌شنبه ۵ آبان ۱۴۰۵ / ۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۱۲۷ اکتبر ۲۰۲۶



یک اسلاید روی چمن (Knee-slide) دوبانه‌وار و پر از خشم فروخورده که یادآور شادی‌های روزهای اوج جوانی‌اش در پورتو، چلسی و همین رئال مادرید بود. او با این حرکت، نه تنها پیروزی تیمش را جشن گرفت، بلکه استو کهایش را مستقیماً روی اعصاب و روان سکوها ی نیوکمپ کشید. آن نگاه معنادار پس از بلند شدن، آن غرور و آن تیخ‌تر روبه نیمکت بارسا، پیام واضحی برای هانسی فلیک و تمام کاتالونیا داشت؛ شما شاید زیبابازی کنید و رکورد بشکنید، اما در نهایت این من هستم که برنده می‌شوم. سوت پایان مسابقه، سوت پایان بازی نبود، بلکه ناقوس آغاز یک جنگ تمام‌عیار بود. هواداران خشمگین بارسلونا که تحمل این تحقیر خانگی و از بین رفتن نوار برده‌های شان را نداشتند، شروع به پرتاب بطری و اشیاء به سمت بازیکنان در حال خروج رئال مادرید کردند. در وسط زمین، تنش‌های نقطه جوش رسید. جود بلینگام که در طول بازی با جنگندگی بالای‌خود بارها با بازیکنان حریف در گیر شده بود، در ثانیه‌های پایانی با گابریل ژسوس و کریم ادیمی به شدت درگیر شد. ده داندن‌ها، فریادهای درگیر لفظی شدید آنها، چهره زشت اما واقعی تعصب در ال کلاسیکورا به نمایش گذاشت. نیوکمپ از یک زمین فوتبال به یک میدان

بزرگان، همان پیچ تند است که ترمز تیم مهدی تار تا ربه شدت کشیده و پاشنه آشیل او را به عریان‌ترین شکل ممکن به نمایش گذاشته است. در چهار نبرد سرنوشته‌ساز مقبل تیم‌های مدعی و سرسخت نیمه‌بالای جدول، پرسپولیس نه تنها صلابت یک مدعی بی‌رحم را نداشت، بلکه به شکلی ناآوارانه و مایوس‌کننده از کسب حتی یک پیروزی عاجز مانده است. داستان تلخ ناامی‌های تار تار در بازی‌های بزرگ، از دیگ جوشان ورزشگاه یادگار امام تیر آغاز شد. جایی که پرسپولیس برابر تراکتور، اسیر فشار بی‌امان سکوها، پرس شدید حریف و البته اشتباه مهلک و ناخوشدنی دانیال ابریی در خط دفاعی شد و با یک گل، تسلیم محض اندیشه‌های تاکتیکی تیم تبریزی شد. آن باخت، تنها از دست دادن سه امتیاز نبود؛ بلکه اولین زنگ خطر جدی را در آردوگاه سرخ به صدا درآورد که آیا این تیم مرد روزهای سخت هست یا خیر؟ سپس نوبت به دربی بزرگ پایتخت رسید. در ورزشگاه نقش جهان اصفهان، پرسپولیس تار تار برابر استقلال، نمایشی قابل قبول ارائه داد. در روزی که هواداران منتظر آتش‌بازی بهترین خط حمله لیگ بودند، همه چیز در میانه میدان قفل شد بازی به یک تساوی بدون گل ختم‌شود. در خرم‌آباد و مقابل تیم دوند، فیزیکی و سرسخت خیبر نیز درهای دروازه‌ها بسته ماند تا باز هم عدد صفر مقابل شمار برده‌های پرسپولیس در تقابل با تیم‌های نیمه‌بالای جدول نقش ببندد. اما ضربه نهایی، به همگین‌ترین و شاید دردناک‌ترین آنها، همین هفته در تهران رقم خورد. تقابل با فولاد خوزستانی که هدایت آن را حامید مطهری، دستیار و مربی سابق همین پرسپولیس بر عهده داشت. شکست یک بر صفر در این بازی خانگی، دیگر جای هیچ توجیهی برای کادرفنی و بازیکنان باقی نگذاشت. تیمی که در عجزای مقابل قعر نشینان ۱۸ امتیاز کامل می‌گیرد، در چهار نبرد حیاتی و حیثیتی مقابل تراکتور، استقلال، خیبر و فولاد، تنها و دو امتیاز داشت می‌کند. این آمار دیگر یک اتفاق، بدشانسی یا نوسان طبیعی نیست؛ این نشان‌دهنده یک بحران هویت و یک بن‌بست تاکتیکی در ساختار ذهنی تیمی است که قفرا از حد عنوان قهرمانی خود دفاع کند.

حالا مهدی تار تار، مردی که سال‌ها در تیم‌های میانه جدولی نتایجی آبرومندانه و قابل دفاع کسب می‌کرد، در کانون بی‌رحمانه‌ترین انتقادات رسانه‌ای و هواداری قرار گرفته‌است. نشستن روی نیمکت پرسپولیس، داغ‌ترین و سوزان‌ترین تجربه برای هر مربی در فوتبال ایران است. اینجا، پیروزی مقابل تیم‌های انتهایی

جنگ گلا دیاتوری تبدیل شده بود. در همین حین، بیرون از مستطیل سبز و در فضای مجازی، وینیسوس جونیور که به دلیل غیبت در این مسابقه از خانه بازی را تماشا می‌کرد، فرصت را از دست نداد. او با انتشار پست‌هایی پر از ایموجی‌های خنده در شبکه‌های اجتماعی، نمک روی زخم کاتالان‌ها پاشید و پازل جنگ روانی مادریدی‌ها را حتی از راه دور هم تکمیل کرد. یکشنبه‌شب بارسلونا در حالی از خواب بیدار شد که رویای دست‌نیافتنی بودن فلیک فرو ریخته بود. فاصله در صدر جدول به تنها سه امتیاز کاهش یافته و تنور لالیگا حالا بیشتر از همیشه داغ و نفس‌گیر دنبال می‌شود. اما فراتر از اعداد، ارقام و جدول رده‌بندی، این ال کلاسیکو یک پیروزی روانی و ایدئولوژیک عظیم برای مادرید بود. هانسی فلیک این هفته فهمید که فوتبال اسپانیا فقط تاکتیک، تکنیک و آمار امید به گل نیست؛ گاهی اوقات باید با اراوح و شباطین گذشته نیز جنگید، و ژوزه مورینیو ثابت کرد که برای بارسلونا، او هنوز هم همان کابوس بیدارنشدنی است. مردی که از قلب همین باشگاه متولد شد، تا روزی قبل از آن راز تپش ببیند. داغ آقای مترجم، این هفته به زبان انتقام سخن گفت و نیوکمپ، چاره‌ای جز تسلیم و سکوت نداشت.

جدولی یک وظیفه بدیهی قلمداد می‌شود، نه یک دستاورد قابل افتخار. هوادار پرسپولیس با حافظه تاریخی مملو از قهرمانی‌های دراماتیک، تیمی را می‌خواهد که در نبرد های مرگ و زندگی، در تقابل‌های گلا دیاتوری مقابل امثال تراکتور و سپاهان و استقلال، شمایل یک فاتح مغرور و داشته باشد، نه تیمی که با اولین ضربه حریف، به لاک دفاعی فرو می‌رود و تمرکز روانی‌اش را از دست می‌دهد که روزهای سخت و التهاب و سرنوشته‌های متناسب با استانداردهای یک تیم قهرمان پذیرند کرده است. وقتی تیم‌او در بازی‌های بزرگ عقب‌می‌افتد یا گره‌بازی کور می‌شود، فقدان یک پلن بی در طراحی حملات به شدت احساس می‌شود. فشارهای رسانه‌ای که پس از باخت در تبریز کلید خورده بود، حالا لاشکست مقابل فولاد به نقطه جوش و انفجار رسیده است. بر حسب مردی برای بازی‌های کوچک به سرعت در فضای مجازی و تیتز جراید در حال تکثیر است و پاک کردن این بر حسب از پیشانی کادرفنی، نیازمند یک انقلاب تاکتیکی در هفته‌های آتی است.

نگاهی به تقویم مسابقات تا پایان نیم‌فصل نخست، نشان می‌دهد که روزهای سخت و التهاب و سرنوشته‌های متناسب تار تار آغه تازه آند شده است. اگرچه رقه‌عه کشی مسابقات در ۱۰ هفته ابتدایی، به نوعی مسیر نسبتاً همواری را برای پرسپولیس فراهم کرد تا آنها با تکیه بر بازی‌های آسان تر، حاشیه‌نیمتی موقت برای خود بسازند و امتیازات لازم برای صدرنشینی را دو ی کنند، اما در هفت‌خون باقی‌مانده، عیار واقعی و اصالت قدرت بازیکنان بدون هیچ رده‌بوشی مشخص خواهد شد. شاگردان تار تار باید رادامه مسیر به تر تیب به مصاف تیم‌های نساجی مازندران، فجرسیاسی شیراز، پیکان تهران، آلومینیوم اراک، سپاهان اصفهان، گل‌گهر سیرجان و در نهایت چادرملو اراک برون. در این میان، نبردهای ۶ امتیازی با تیم‌های سازمان‌یافته و تقابل با طلای بی‌پند بدون هیچ رده‌بوشی پرسپولیس با ۲۰ امتیاز در کورس قهرمانی می‌تازند. اگر پرسپولیس نتواند در آن مسابقه بزرگ و کلیدی طلسم ناامی‌هایش را بشکند و بار دیگر با دست خالی از زمین خارج نشود، آنگاه کاسه صبر هوادارانی که همین حالا هم لبالب از ناراضی‌ت هستند، لبریز خواهد شد و پایه‌های صندلی لرزان تار تار ممکن است به‌طور کامل فرو بریزد.

تار تار اکنون در حساس‌ترین، تاریخی‌ترین و شاید شکننده‌ترین مقطع دوران حرفه‌ای خود قرار دارد. او باید انتخاب کند: آیا می‌خواهد همچنان همان مربی محافظه‌کاری باقی بماند که فقط بر بازی تیم‌های ضعیف‌تر حسارت حمله پیدامی‌کند و در بازی‌های بزرگ به حداقل‌ها راضی می‌شود؟ یا آماده‌است تا لباس رزم بپوشد، ریسک‌پذیرتر، شجاع‌تر و منطقت‌ر عمل کند و ذهنیت برنده‌خواهی را به کالبد تیمی تزریق کند که محکوم به قهرمانی است؟ پاسخ این سوال بزرگ، در دل ۷۴۰ دقیقه فوتبال در هفت هفته آند نهفته است.